



در این شماره :

- اعلامیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و چهل و سومین سالگرد قیام بهمن ماه
- سال انتخابات در امریکای لاتین
- گزارشی از بخش انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱
- گزارش مراسم گرامیداشت دو روز تاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن
- " گل سرخی که پژمرده نمیشود "
- اعلامیهی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
- به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن
- پیام فعالین داخل به مراسم گرامی داشت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

اعلامیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و چهل و سومین سالگرد قیام بهمن ماه

در آستانه پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و چهل و سومین سالگرد قیام توده های زحمتکش مردم ۵۷ هستیم. دو واقعه مهم تاریخی که درس های آموزنده ای برای مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم دربر دارد. در دهه سیاه ۱۳۴۰ که استبداد و خفقان آریامهری برگستره ایران سایه افکنده بود و صدای هر آزادیخواهی در گلو خفه می شد و هرگونه تشکل و حزب و تجمع اعتراضی را با سرکوب بی رحمانه جواب میدادند و زندان و شکنجه و اعدام به رویه معمول دستگاه ستم گر و استثمارگر حاکم بدل شده بود، عده ای از جوانان کمونیست با جمع بندی از وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه و تدوین تئوری مبارزه مسلحانه، سرانجام در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، آغاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه و کل نظام ارتجاعی حاکم بر ایران را اعلام نمودند.

هدف از دست زدن به مبارزه مسلحانه نه فقط درهم شکستن توهم قدر قدرتی طبقه حاکم و شکستن جو ترس و سکوت حاکم برجامعه بود، بلکه ارتقاء سطح آگاهی، تشکل و توانائی کارگران و زحمتکشان در مبارزه با رژیم ستم شاهی بمنظور پایان دادن به ستم استثمار نیز بود.

اقدام انقلابی چریکهای فدائی خلق، بسیار سریع تراز آن که پیشبینی می شد، جامعه را دگرگون کرد و جو سکوت و ناامیدی را به جوی پرشور، انقلابی و امیدوار به پیروزی تبدیل کرد. چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم

شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدان های نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان درخیزش توده ای و قیام قهرآمیز بهمن ۵۶ تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه رژیم ستم شاهی را به گور سپرد.

اکنون در شرایطی که استقبال پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه و پایه گذاری جنبش نوین کمونیستی ایران می رویم که جنبش های اعتراضی در سراسر کشور در حال گسترش است. سطح آگاهی و بیداری زحمتکشانشان و نیروهای پیشرو جامعه نسبت به عوامل اصلی ستم و استثمار و زور و سرکوب، در شعارها و مطالبات انقلابی و مبارزه و مقابله دلیرانه در کارخانه ها و خیابان ها تبلور می یابد. فشار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تشدید استثمار و بیکاری و ناداری توده های زحمتکش از یکسو و دزدی و فساد، رانت خواری و ثروت اندوزی مافیای قدرت و ثروت از سوی دیگر، خشم و انزجار توده های مردم را آنچنان افزایش داده است که هر جرعه ای به اتشی فروزان تبدیل می شود. با این حال بیش از چهل و سه سال است که رژیم حاکم همچون دهه چهل از تشکل و حزب کارگران و زحمتکشان و عناصر پیشرو مترقی جامعه باتوسل به سرکوب و زندان و اعدام ممانعت بعمل می آورد و توده های بپا خواسته در فقدان یک سازمان انقلابی پرولتری سراسری، رزمنده و توانا، مشکلات و موانع زیادی را تجربه میکنند.

اما نباید فراموش کرد که خیزش توده های زحمتکش مردم، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند برای سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت امکانپذیر نمی باشد. همانطور که در گذشته نیز تجربه کردیم، هر چند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار بورژوازی ایران در سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کرد و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین رهنمای سیاسی را برجامعه ما حاکم نمود.

اینک که ۵۱ سال از حماسه سیاهکل و ۴۳ سال از قیام خونین توده های مردم سپری می شود، توده های زحمتکش مردم خواهان دگرگونی بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران هستند. اعتصابات کارگری و تجمعات و تظاهرات زحمتکشان از جمله معلمان، بازنشستگان، بیکاران، زنان و جوانان و زحمتکشان روستاها بر علیه نظام حاکم به اشکال مختلف ادامه دارد رژیم مشروعیت خود را نه تنها در میان توده های متوهم از دست داده است، بلکه با تشدید تضادهای درونی و ریزش نیروهای خودی نیز مواجه است.

رژیم جمهوری اسلامی در کشمکش با امپریالیسم آمریکا که خود در پی تسلط بر منطقه و درضدیت با منافع توده های زحمتکش مردم است، تلاش میکند لاینحل

ماندن بحران های داخلی و فشار اقتصادی و سیاسی برتوده های زحمتکش مردم را با عوامل خارجی مرتبط کرده و سرکوبگری درداخل را توجیه کند. اما کیست که نداند هردوی این رژیم های جهنمی درسرکوب وکشتار جنبش های انقلابی و ساکت کردن توده های مردم زینفع اند. برای همین بنیانگذاران سیاهکل نیز بدرستی اعلام کردند که مبارزه علیه امپریالیسم ازمبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست و همانطوری که مبارزه علیه سرمایه داخلی جدا ازمبارزه علیه امپریالیسم نمی باشد.

درپنجاه ویکمین سالگرد حماسه سیاهکل وچهل وسومین سالگرد قیام بهمن ماه توده های زحمتکش مردم بکوشیم اذدرس ها وتجارب گذشته وازنقاط قوت وضعف خویش بیاموزیم تا از تکراراشتباهات وانحرافات گذشته پرهیز نموده وبرای تحقق آرمان های سوسیالیستی وانسانی که از حماسه سیاهکل تاکنون هزاران انسان برای تحقق آن جان فداکرده اند، متحد ومنتشکل شویم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست برآن است که بدون تجهیز توده های کارگر و زحمتکش به سلاح آگاهی و تشکل، جنبش های اجتماعی ایران با خطرات زیادی مواجه بوده وخواهند بود. ما درپی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی وایجاد زمینه های نظری و عملی اتحاد نیروهای پیشرو جامعه از هیچ کوششی فرو گذارنکرده و نخواهیم کرد. بویژه درشرایط کنونی اتحاد صفوف فدائیان کمونیست می تواند گام مهمی در راه وحدت و همکاری نیروهای انقلابی درون جامعه و نیز گامی درجهت اتحاد تمام نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه دریک جبهه انقلابی باشد.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سیاهکل وقیام تاریخی ۲۲ بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما

گوشزد می کنند که هزاران رفیق ما وده ها هزار انسان آزادیخواه وسوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند. اهدافی که ازآسمان نازل نشده اند بلکه انسانی ترین ومبرمترین خواست ها و آمال و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند. بیائید به مناسبت این دو روزتاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن، یاد و خاطره همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرمی داریم و از تجربیات نسل های گذشته درجهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استثمار و زور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یادجان باختگان

حماسه سیاهکل و قیام

خونین بهمن ماه

سرنگون باد رژیم جمهوری

اسلامی ایران برقرارباد

جمهوری فدراتیو شورائی

ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۷ بهمن ۱۴۰۰

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در تاریخ بهمن ۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل متولد شد. فدائیان کمونیست قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ در کنار سایر رزمندگان راه آزادی بر علیه نظام شاهنشاهی مبارزه کردند و با امید به پیروزی در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی بازی کردند. بعد از شکست انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی، فدائیان کمونیست به همراه بخشی از مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه ها، دانشگاه ها مدارس و روستاها که منافع خود را در تضاد با حاکمیت سرکوبگر جدید میدیدند، به تداوم انقلاب پای فشردند در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران، دهقانان، زنان و سایر اقشار اجتماعی شرکت کردند.

به موازات تحولات اجتماعی و اقتصادی، تشدید مبارزه طبقاتی موجب تغییر و تحولاتی در سازمانهای سیاسی شد. در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز تحولات به شکل انحرافات مختلف سیاسی و انشعابات و انشقاقات متعدد بروز یافت. سازمان چریکهای فدائی ایران در شرایطی بوجود آمد که ایران در حال گذار از جامعه ای نیمه فئودالی به جامعه ای سرمایه داری بود علاوه بر آن سرعت این رفرمهای ارضی در دهه چهل، هجوم خیل عظیم نیروی کار از روستاها به شهرها، سطح پسانین آگاهی و جوان بودن طبقه کارگر، و خیل بیشمار حاشیه تولید به همراه اوضاع بین المللی و تأثیر آن بر شکل گیری افکار و نگرش روشنفکران انقلابی و مترقی شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه ای را پدید آورده بود. یک چنین وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی طبیعتاً در شکل گیری احزاب و سازمانهای سیاسی مطالبات مردم و روشنفکران جامعه، افکار، عقاید برنامه های سیاسی روش های مبارزاتی تأثیر می گذاشت. این وضعیت اجتماعی در سازمان ما نیز که مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب را وجهه همت خود قرار داده و با هدف استقرار سوسیالیسم تاسیس یافته بود.

متن کامل تاریخچه سازمان فدائیان کمونیست

در لینک زیر

<https://fedavi.org/about/>

سال انتخابات در امریکای لاتین

گزارش از بخش انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

و بی سابقه ای در تاریخ ۲ اکتبر قرار گرفته که بنابه آمار تخمینی شانس بیشتری را نسبت به کاندیدهای دیگر برای پیروزی در انتخابات در دست دارد. همچنین همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، نماینده گان کنگره ملی و ریاستهای ایالات مختلف برزیل بایستی انتخاب شوند. طبق قوانین مقرر اگر یک کاندید در دور اول انتخابات ۵۰ درصد آراء را باضافه ۱ بدست آورد بایستی مجدداً انتخابات دور دوم در تاریخ ۳۰ اکتبر برگزار گردد. اواسط ماه دسامبر سال ۲۰۲۱ بنابه همه پرسی های تخمینی که انتشار یافته اند، لولا دا سیلوا رقم ۴۸ درصد آراء را به خود نزدیک کرده است و رقیب دست راستی و فاشیست وی بولسونارو تنها ۲۱ درصد آراء را در حال حاضر در دست دارد.

در کشورهای دیگر امریکای جنوبی، امسال انتخابات و همه پرسی مردمی دیگری را میتوان برشمرد. سرآغاز این انتخابات امسال، کوستاریکا خواهد بود که به تاریخ ۶ فوریه رئیس جمهور جدید و ۵۷ نفر نماینده گان پارلمان بایستی انتخاب شوند و در تاریخ ۱۱ ماه مارس رسماً ریاست جمهوری سوسیال دمکرات شیلی گابریل بوریک آغاز به کار خواهد نمود که در ماه دسامبر سال گذشته پیروزی انتخابات ریاست جمهوری این کشور را نصیب خود کرد. همچنین در اواسط امسال مرحله نهایی در مورد رفراندوم قانون اساسی جدید شیلی خواهد بود که این رفراندوم بر علیه قانون اساسی ست که از زمان دیکتاتوری پینوشه تاکنون پابرجاست. این رفراندوم همه گیر مردمی، طرح قانون اساسی جدیدی را که از طرف نماینده گان جنبش های اجتماعی، اتحادیه های کارگری، جنبش زنان، جنبش محیط زیستی، احزاب چپ و نیروهای سوسیالیست و کمونیست و نماینده گان بومی شیلی وضع و تدوین نموده که در تابستان امسال به رای گیری همه گیر گذاشته خواهد شد.

گزارش از بخش انترناسیونال سازمان اتحاد

فدائیان کمونیست

۳۱ ژانویه ۲۰۲۲

سیاسی و تهدیدات نظامی امریکای شمالی بر علیه ونزوئلا و زنه سنگینی را برای این امپریالیسم بازی می کند.

بیش از ۵۱ میلیون از اهالی کلمبیا در ۱۳ ماه مارس برای تعیین نماینده گان دو ارگان، یعنی کنگره و تعیین نماینده گان پارلمان به پای صندوقهای رای خواهند رفت. شکست حکومت دست راستی وابسته به امریکای شمالی در این انتخابات میتواند تغییر سیاسی را برای این کشور به همراه داشته باشد اما نقش اصلی و تغییر آینده سیاسی کلمبیا بر سر انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۹ ماه مه کلید خورده است. مهمترین و سرشناس ترین کاندید برای انتخابات ریاست جمهوری کلمبیا را شهردار سابق بوگوتا (۲۰۱۲-۲۰۱۵) و هم اکنون نماینده حاضر در سنات کشور و چریک سابق شهری سازمان م - ۱۹، گوستاو پترو را میتوان نام برد که بنابه همه پرسی های اوقات اخیر به همراه اتحادیهایی که با احزاب انقلابی به نام "اتحاد تاریخی" شکل داده است تخمین زده میشود که درصدی برابر ۴۸ درصد از آراء را در ماه مه بدست خواهد آورد. سوال این است که آیا این در صد تخمینی در نهایت، در روز انتخابات برای پیروزی ریاست جمهوری وی کافی ست؟ نیروهای وابسته به رئیس جمهور دست راستی کنونی و شبه نظامیان باندهای سیاه که دهها نفر از فعالین سندیکاهای و اتحادیه های کارگری و فعالین جنبشهای اجتماعی را به قتل رسانده اند، با تمامی نیرو تلاش خواهند کرد از انتخاب رئیس جمهوری چپ و انقلابی به هر وسیله ممکن جلوگیری کنند.

در برزیل بزرگترین و پرجمعیت ترین کشور امریکای لاتین، ایناسیو لولا دا سیلوا که از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۱ ریاست جمهوری برزیل را بر عهده داشت، اینبار در مقابل انتخابات خارق العاده

امسال امریکای لاتین با انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس در برزیل و کلمبیا روبرو است. این انتخابات میتواند چراغ قرمزهای دیگری را در مقابل سیاستهای امریکای شمالی در این منطقه به شعله درآورد و حداقل جایگاه "سوسیال دمکراتها" را در این مقطع بیشتر از پیش در این قاره به ثبیت رساند.

پیروزی لیبرالهای چپ در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۱ در پرو و شیلی و در ژانویه امسال در هندوراس بلوکهای احزاب و نیروهای دست راستی وابسته به امپریالیسم امریکای شمالی را به تضعیف بیشتری کشانده است. اگر امسال در برزیل و کلمبیا نیز این تحولات به همین شکل پیش برود، همچنانکه اخبار آمار از پیش انتشار یافته پیش بینی می کنند این وضعیت پیش خواهد آمد که ۸ کشور بزرگ امریکای لاتین (آرژانتین، بولیوی، شیلی، مکزیک، پرو، کلمبیا، ونزوئلا و برزیل) با ظرفیت ۸۵ درصد جمعیت کل این قاره، دارای حکومتهای چپ لیبرال خواهند شد. این موضوع میتواند در شرایط کنونی و در وضعیت پانادامی کرونا موجب همکاریها و پیمانهای مشترک مابین این کشورها بر سر مسائل بهداشت و درمان و سیاستهای آموزشی و تحصیل را امکانپذیر نماید و مشترکاً پروژه های اجتماعی بر سر مبارزه با فقر را در دستور کار خود قرار دهد و قدرت و جایگاه منطقه را بر علیه تلاشها و نیات قدرت طلبانه و استعمارگرانه ایالات متحده امریکا را که همچنان پابرجاست، افزایش دهد.

واشینگتن در حال حاضر در درجه اول از پایگاههای نظامی خود در کشور کلمبیبی انحصار یافته، برنامه ها و طرحهای نظامی خود را پیش می برد اما برزیل نیز بعنوان پایه اصلی تعرضهای

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱



مبارزه برای افزایش دستمزدها، امری است حیاتی و تعطیل ناپذیر!

هستند. تا زمانیکه سرنوشت کار و زندگی کارگران بدست خود و نماینده های انتخابی شان رقم زده نشود، در بر همین پاشنه جرم و جنایت سرمایه داری اسلامی خواهد چرخید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همراه با طبقه کارگر تا تحقق رفاه و حاکمیت کارگران بر سرنوشت خویش و سرنگونی حاکمیت سرمایه علیه جمهوری اسلامی و قوانین ضد کارگری اش مبارزه می کند.

مبارزه برای افزایش دستمزد یکی از اولیه ترین و مهمترین و اساسی ترین مبارزه کارگران علیه سرمایه محسوب می شود و به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و نیست. ما ضمن حمایت از حداقل دستمزد ماهانه پیشنهادی در بیانیه تشکلات مستقل کارگری و بازنشستگان و معلمان و ... بر این نکته تاکید می کنیم که دستمزدها باید براساس ملزومات رفاه مکفی در زندگی کارگری تعیین شود و صلاحیت تشخیص این تناسب تنها و تنها به عهده تشکلهای مبارز و مستقل و سراسری کارگران است نه تشکلهای دست ساز حاکمیت سرمایه دار یا تشکلهای زرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۱۴ فوریه ۲۰۲۲ - ۲۵ بهمن ۱۴۰۰

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۷ میلیون کارگر فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی می باشند...

اخیراً محسن حاجی بابایی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی رژیم گفته است که حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور نیاز به کمک فوری و آنی دارند.

با این حال افزایش دستمزد چندین برابر زیر خط فقر، که هر ساله توسط "شورای عالی کار" تعیین و اعلام می شود، در بهترین حالت تنها شامل بخش محدودی از کل شاغلین در بخش عمومی و خصوصی میشود. اکثریت عظیم کارگران کارگاه هائی که تعداد آنها نزدیک به یک میلیون است و صد ها هزار کارگر پاره وقت و زنان و کودکانی که به تولید خانگی محصولات فرعی و هزاران حاشیه نشین شهرها با دستمزد بسیار ناچیز مشغولند، از شمولیت همین "قانون کار" ضد کارگری، واز، حداقل دستمزد ناچیز نیز خارج هستند.

رژیم سرمایه داری اسلامی با تمام اهرم های حقوقی، قانونی و انتظامی اش و با تمام قوایش تلاش دارد هزینه سنگین تورم و اقتصاد ورشکسته اش را از سفره کارگران تامین کند تا سودآوری مافیای در قدرت و کارفرماهای دزد و فاسدش را همچنان محفوظ نگاه دارد.

اکنون که بسیاری از کارگران و زحمتکشان به اعتصاب، تظاهرات و اجتماعات اعتراضی مشغولند، بیش از هر زمانی به همبستگی و بسیج طبقاتی در صحنه نبرد نیاز هست. رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که یار و غار سرمایه داران و دزدان است و برای حفظ سلطه این استثمارگران از هیچ جنایتی دریغ نخواهد کرد و تضمین کمترین مطالبه اقتصادی، فقط با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار دولتی کارگری شورایی متحقق خواهد شد.

تشکلات دست نشانده و سرسپرده رژیم هم نه نماینده کارگران بلکه کارچاق کن سرمایه داران و ابزار مهار جنبش انقلابی کارگران

«شورای عالی کار» متشکل از نمایندگان دولت، کارفرماها و عناصر وابسته به نهادهای حکومتی در تشکل های فرمایشی و ضد کارگری دست ساز رژیم، در دو ماهه پایانی هر سال بدون توجه به نیازها و مطالبات واقعی کارگران که در طول سال فریاد زده اند، رقمی را بر مبنای آنچه که به صلاح حاکمیت و به نفع مافیای قدرت و سرمایه داران است و قبلاً حد و اندازه آن تعیین شده است، بعنوان حداقل دستمزد سال پیش رو اعلام میکنند.

طبق تصمیم این ارگان ضد کارگری، تعیین این حداقل دستمزد بر مبنای نرخ تورم و سبب هزینه معیشت زندگی یک خانوار است. با محاسبه این دو عامل، سقف حداقل مزد ماهیانه کارگران حدود ۴،۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است که اگر مبلغی همچون حق مسکن، بن خوارو بار و پایه سنوات هم به آن اضافه شود نهایتاً در حدود ۵ میلیون تومان در ماه میشود. این در شرایطی است که خط فقر واقعی بیشتر از ۱۲ میلیون می باشد، ولی شورای عالی کار وقیحانه نرخ را که چند برابر زیر خط فقر میدانی است بعنوان خط فقر اعلام کرده است.

نرخ تورم در سال جاری طبق گفته بانک مرکزی بین ۴۰ تا ۴۵ درصد در نوسان بوده است و برای سال آینده نرخ تورمی ۵۰ درصدی احتمال میرود که با افزایش ۶۰ درصدی قیمت مواد خوراکی در کنار هزینه سرسام آور مسکن، این حداقل دستمزد که کمتر از یک دوم خط فقر ۱۲ میلیون تومانی است قادر نخواهد بود که حتی نصف هزینه های زندگی یک خانواده سه نفره را پوشش دهد.

بر اساس اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا سال گذشته ۲۶ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور در فقر مطلق زندگی میکردند، با توجه به خروج بیش از دو میلیون نفر از بازار کار بواسطه شیوع مجدد کرونا، برآورد میشود که جمعیت زیر فقر مطلق به ۳۰ الی ۳۵ میلیون نفر افزایش یابد. علاوه بر این گفته می شود که نزدیک به

Hasta Siempre Comandante
"Che Guevara"

گزارش مراسم گرامیداشت دو روز تاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن

به زبان آلمانی و اسپانیایی یادرزمندگان
سیاهکل را گرامی داشتند.

بعد از اجرای این بخش از ترانه سرودها، تنی
چند از رفقای شرکت کننده در مراسم سخنانی
در گرامی داشت یاد رزمندگان سیاهکل
داشتند و با تحلیل مبارزات کارگران و توده های
زحمتکش در ایران بر لزوم درس گیری از
تجربیات گذشته تاکید کردند.

در قسمت دیگر برنامه پیام فعالین سازمان
در کردستان، آذربایجان و مرکز به مراسم
سیاهکل قرائت شد.

در ادامه، هنرمند اینترناسیونال شکیب با
اجرای سرود سرآمد زمستان به برنامه
مراسم، حال و هوای دیگری بخشید.



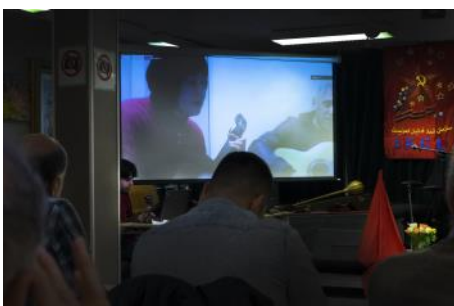
فضای شورانگیز مبارزات انقلابیون و ازجان
گذشتگی آنها در راه رسیدن به آزادی و
سوسیالیسم در هم آمیخت.

سپس رفیق یدی شیشوانی درباره زمینه
تاریخی طبقاتی داخلی و جهانی سیاهکل و
آغاز مبارزه مسلحانه در دهه ۴۰ و پنجاه
شمسی سخن گفت.

در ادامه مجری برنامه پیام سازمان

در روز یکشنبه ۱۳ فوریه برابر با ۲۴ بهمن
۱۴۰۰ مراسمی توسط واحد گوتنبرگ
فدائیان کمونیست بمناسبت پنجاه و یکمین
سالگرد حماسه سیاهکل در سال ۱۳۴۹ و
چهل و سومین سالگرد قیام بهمن ماه در سال
۱۳۵۷ در یکی از سالن های هنری شهر
گوتنبرگ سوئد برگزار شد.

گردهمایی با سرود اینترناسیونال به یاد و



برنامه با شعرخوانی و ترانه سرود های انقلابی
پایان یافت.

باتشکراز همه شرکت کنندگان در مراسم
یاد یاران سیاهکل و همه جانبختگان راه
آزادی و سوسیالیسم گرامی باد

اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت پنجاه
یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و چهل
وسومین سالگرد قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ را
قرائت کرد.

در قسمت بعدی دوهنرمند از آلمان با اجرای
ترانه

احترام جانبختگان سیاهکل و سایر انسانهای
آزادیخواه و سوسیالیست آغاز شد.

بعد از اعلام برنامه مراسم توسط مجری
گردهمایی، هنرمند مبارز، فریبرز کرمی
از گروه کاروان با اجرای چند ترانه سرود
انقلابی سالن های حضوری و مجازی را با

گل سرخی که پزمرده نمیشود

"ستاره سرخ"

فکری و ایدئولوژی گلسرخی را قبول نداشتند، شجاعت او را مورد تحسین قرار دادند. گلسرخی در دادگاه آنقدر مسلط و مستحکم بود که گویی در حال ایفای نقش در یکی از تئاترهای شکسپیر است. نشانی از ترس و اضطراب در چهره و صدای او دیده نمیشد. تنها و تنها عشق بود که در سخنانش موج میزد عشق به عدالت، عشق به نوعدوستی، عشق به مردمانی پاک و نجیب اما ستمدیده...

یکی دیگر از دستاوردهای گلسرخی بعد از جریان دادگاه، پارادوکسی بود که در اذهان شاه و همراهانش بوجود آورد. اتهام الحاد و بی اعتقادی به خدا از قدیمی ترین شگردهای امپریالیسم و دیکتاتوری های راست بوده که همواره چپ ها را مورد حمله قرار داده و جامعه ی مذهبی ایران در آن زمان از مردمی تشکیل شده بود که حتی در اوج فقر و تنگدستی هم اعتقادات مذهبی شان را حفظ کرده بودند و با کسانی که به مقدساتشان بی اعتقاد بودند برخورد میکردند. گلسرخی با طرحی فوق العاده جالب و ابتکاری بینظیر در دادگاه از امام سوم شیعیان سخن گفت. او به ماجرای تاریخی جنگ امام سوم با یزید و مقابله با ظلم اشاره کرد و با کنار هم گذاشتن تشابهات به این نتیجه رسید مارکسیسم هم مانند دین به دنبال عدالت و مبارزه با ظلم و ظالم است. هرچند هم آن زمان و هم حالا بسیاری از متفکران چپ در سراسر جهان مخالف ادغام دین و ایدئولوژی مارکسیسم هستند و آن را جریانی التقاطی میدانند اما کاری که گلسرخی کرد کاملاً برنامه ریزی شده بود و موجب شد بسیاری از مردم جامعه که بدلیل عدم مطالعه و تحقیق تا آن لحظه تعریف کمونیسم را بیخداایی میدانستند نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر، متوجه شوند مارکسیسم چیزی نیست

چپ علی الخصوص جنبش چریکهای فدایی خلق، لرزه بر تن شاه افتاده بود و کوچکترین فعالیتها و حرکاتی که از سوی مخالفینش انجام میشد را به شدیدترین صورت ممکن پاسخ میداد. ترسها و شک های مالیخولیایی شاه و اطرافیانش باعث شده بود حتی کسانی که تنها بر اساس یک گزارش یا یک حدس و گمان بازداشت میشدند به سنگین ترین مجازاتها که اعدام و حبسهای ابد آن هم با شدیدترین شکنجه ها محکوم شوند. در سال ۵۱ و بدنبال جاسوسی (بهتر بگویم آدمفروشی!) چند نفر از مزدوران شاه، گروهی از فعالین چپ به اتهام توطئه برای آسیب رساندن به خانواده ی سلطنتی بازداشت شدند.

معروفترین این چهره ها خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان بودند (که ارتباط مستقیم آنها با این اتهام هیچگاه اثبات نشد!) حکومت برای خراب کردن چهره ی مخالفانش و به پیش نهاد چند تن از نزدیکان شاه در سال ۵۲ تصمیم گرفت فیلم دادگاه و محاکمه را به طور مستقیم از تلویزیون ملی پخش کند. اما به باور بسیاری از صاحب نظران پخش فیلم دادگاه گلسرخی و دانشیان نه تنها چهره ی مخالفین شاه علی الخصوص مارکسیستها و به طور مشخص تر فداییان را خراب نکرد بلکه باعث شد بسیاری از مردم و به ویژه جوانان به این باور برسند که دیکتاتوری شاه شکست ناپذیر نیست و برای از بین بردن ظلم و ستمی که از طرف حکومت انجام میگردد میتوان با شجاعت و جسارت برخاست و به مبارزه پرداخت. سخنان پرشور گلسرخی در دادگاه آنقدر پر حرارت و سرشار از جسارت و شور و شعف انقلابی بود که هر بیننده و شنونده ای را تحت تاثیر قرار میداد. فردای آن روز تمام مردم از گلسرخی و دفاعیاتش در دادگاه دیروز میگفتند. حتی کسانی که خط

دوم بهمن ماه زادروز یکی از ماندگارترین نامها در تاریخ معاصر ایران است، خسرو گلسرخی؛ کسی که با اشعارش با نوشته هایش و شاید از همه پررنگ تر با دفاعیاتش در بیدادگاه شاه، از درد و رنجهای خلق ستمدیده ی ایران گفت، از نابرابری ها حرف زد، از وضع زندانیهای سیاسی، از نبود آزادی، از مناطق فقیر نشین، از آنها که جرمشان فقر بود، از تیرگی ها گفت، از بدبختی ها و تفاوت های شمال و جنوب شهر گفت، گفت تا آنها که سرشان را زیر برف کرده اند شاید به خودشان بیایند، گفت تا ناامیدان امیدی دوباره بیابند و به تغییر خوشبین باشند، گفت تا خلق ساکت و ساکن نماند و برای رسیدن به آنچه حقش است بجنگد و تلاش کند.

اما گلسرخی که بود و چرا هنوز هم بعد از گذشت سالها نامش از اذهان پاک نمیشود؟ خسرو گلسرخی در دوم بهمن ماه سال ۱۳۲۲ در شهر رشت بدنیا آمد. پدر و مادرش هر دو روشنفکر و از آزادیخواهان گیلانی بودند. پدر بزرگش از یاران میرزا کوچک بود و رشد و نمو در چنین خانواده ی مترقی و روشنفکری باعث شد تا خسرو از کودکی با آرمانهای عدالت خواهانه آشنا شود. خسرو تحصیلاتش را در مقطع متوسطه که به پایان رساند بدلیل مرگ پدر بزرگش که بعد از مرگ پدرش سرپرستی او و مادرش را به عهده داشت مجبور به کار شد او برای پیدا کردن کار به تهران رفت، روزها سخت کار میکرد و شبها به مطالعه و فراگیری زبانهای فرانسه و انگلیسی میپرداخت.

نوشته ها و اشعارش که کم کم شکل میگرفت را در چند روزنامه و مجله با نامهای مستعار به چاپ میرساند و ذوق و استعداد سرشار او موجب شد کمی بعد به سردبیر بخش هنری روزنامه ی کیهان تبدیل شود. رفته رفته و با شکل گیری فعالیت های چریکی

پیام فعالین داخل به مراسم گرامی داشت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل

در پنجاه و یکمین سالروز رستاخیز سیاهکل بنیانگذاری سازمان چریک های فدایی خلق ایران و سرآغاز جنبش نوین کمونیستی ایران، ما فعالین سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در کردستان و آذربایجان و مرکز، گرمترین و انقلابی ترین درودهایمان را نثار شما رفقای شرکت کننده در مراسم بزرگداشت این روز تاریخی می کنیم.

پنجاه و یک سال پیش در شرایطی که دیکتاتوری افسار گسیخته رژیم پهلوی با همکاری و پشتیبانی تمام عیار حامیان امپریالیستش جو رعب و سکوت را بر جامعه ایران مستولی کرده بود، پانزده گرد سرفراز دلاور، بر آسمان این جغرافیا چنان درخشیدند که نورشان تا قرن ها تاریخ مبارزه و مقاومت را روشن نگاه خواهد داشت. در زمانه ای که صدا به صدا نمی رسید و خفقان، رعب و وحشت افسانه ای را ساخته بود تا هر صدایی را در نطفه خفه کند، در اعماق جنگل های سیاهکل این نعره ی گوزن های عاشق بود که خواب از چشمان مزدوران سرمایه و سرخوردگان محفل گرا ربود.

اقدام قاطع و انقلابی رفقای حماسه آفرین ما در آن مقطع تاریخی ناشی از درک عمیق و علمی از پدیده های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی حاکم بر جامعه آنروز ایران بود و توهم و خیانتها و تحلیل های غیر واقعبینانه و انحرافی را پاسخی چنین می بایست که جان برکفان فدایی بدون ترس از ارتکاب اشتباهات و رفع آن در جریان عمل، قاطعانه رسالت تاریخی خود را در جهت رشد و تکامل مبارزه طبقاتی ایفا نماید.

امروز چهل و سه سال از قیام بهمن ۵۷ می گذرد، رژیم اسلامی ارتجاعی حاکم همانند رژیم شاه پاسدار منافع طبقه سرمایه دار، مدافع تمامی ثروتمندان، استثمارگران و ستمگران است، جز فقر و سیاه روزی و بحرانهای مداوم، دیکتاتوری و سرکوب، کشتار، دربدری و آوارگی صدها هزار تن از مردم ایران که از شر ستمگریهای این رژیم به کشورهای دیگر پناه برده اند، ثمری نداشته است و توده های کار و زحمت ایران با استثمار شدید، بیکاری و فقر و فلاکت روز افزون روبرو هستند و شرایط زندگی آنها مدام وخیم تر و وخیم تر می شود، در چنین شرایطی آرمانهای والایی که ۵۱ سال پیش رفقای پاکباز فدایی را به اقدام قاطع و انقلابی وا داشت همچنان الهام بخش هزاران جوان و میلونها انسان آزادیخواه و برابری طلب در مضاف با حکومت جهل و تاریکی و استثمار سرمایه داری جمهوری اسلامی بمنظور برقراری جامعه ای عاری از تمامی مظاهر ستم و استثمار است. آرمانهایی که پشتوانه قدرتمند آنان در گذار از مبارزه ای خونین و پرفراز و نشیب ۵۱ ساله است.

در پایان ضمن درود مجدد به شما رفقای شرکت کننده در مراسم و تشکر از رفقایمان در واحد گوتنبرگ سازمان برای تدارک این مراسم، یاد و خاطره فرزندان دلاور و تمامی مبارزین راه سوسیالیسم را گرامی میداریم و به خون سرخشان که همچون بذر در خاک فلات در زنجیرایران در حال جوانه زدن است، سوگند میخوریم که تا سرنگونی رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و مبارزه علیه امپریالیسم و ایادیش یکدم از پای ننشینیم. به امیدی روزی که با همبستگی و انسجام بیشتر صفوف انقلابیون در داخل و خارج کشور، مراسم های این چنین را در سراسر ایران و با حضور میلیونی کارگران و زحمتکشان گرامی بداریم.

در اهتزار باد پرچم برافراشته شده حماسه بزرگ سیاهکل

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باید سوسیالیسم

فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۰

که در رسانه های حکومتی به آنها گفته شده.

بعد از برگزاری دادگاه گلسرخی، بسیاری از جوانان به مطالعه ی کتب و جزوات مارکسیستی پرداختند و روند عضو شدن در گروه های چپ شدت گرفت. مسئولین دادگاه بارها از متهمین خواسته بودند برای تبرئه و یا تخفیف در مجازات از دادگاه طلب بخشش کنند و از کرده ی خود ابراز ندامت و پشیمانی کنند، گلسرخی اما به همراه چند تن دیگر حاضر به این کار نشد و گفت بابت کاری که نکرده است معذرت خواهی نخواهد کرد! قبلا در مقاله ای که به مقایسه ی خسرو

گلسرخی و سعید سلطانیپور ([گل سرخی به نام سعید سلطانیپور: درج شده در سایت](#))

[فدایی](#)) اشاره کردم که گاهی دشمن آنقدر بزرگ است که انکارش غیر ممکن است. چند روز دیگر دهه ی فجر شروع میشود و باید مثل هرسال منتظر باشیم از رادبو، تلویزیون یا روزنامه ها و مجلات حکومتی از گلسرخی هم نام برده شود، چون آخوندیسم و دیکتاتوری عمامه به خوبی میدانند تأثیری که جریان فدایی و گلسرخی بر سقوط دیکتاتوری تاج داشت بی بدیل و غیر قابل سرپوش گذاشتن است.

خسرو گلسرخی به همراه کرامت الله دانشیان در بامداد ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ تیرباران شد. اشعار زیبا، مقالات و نقدهای ادبی خسرو سرشار از آرمانهای انسانی و انقلابیست...

یادش گرامی، راهش جاویدان

شب که می آید و می کوبد پشت در را

به خودم می گویم؛

اگر از خواب شب یلدا ما برخیزیم،

اگر از خواب بلند یلدا، برخیزیم،

ما همین فردا

کاری خواهیم کرد

کاری کارستان...

(بخشی از شعر خواب یلدا؛ سروده ی خسرو

گلسرخی)

ستاره سرخ

اعلامیه‌ی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

نشینی بزرگی را به مردم افغانستان، بویژه زنان تحمیل کرده است و بار دیگر هم سرنوشتی زنان را در ایران و افغانستان برای آزادی و برابری در مقابله با توحش اسلامی رابه هم گره زده است.

با این همه و به رغم همه این فشار و تبعیض و سرکوب و بی حقوقی، جنبش رهایی و برابری طلبانه زنان در ایران هیچوقت متوقف نشد و اکنون به یکی از جنبش های رادیکال و قدرتمند بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده و در میان مردم ایران از پشتیبانی و محبوبیت بسیاری بر خوردار است. دولت جمهوری اسلامی از پتانسیل قوی و رادیکال جنبش زنان به خوبی آگاه است و به همین دلیل از هرابزاری برای سرکوب و عقب نشینی آنان و دستاوردهای شان استفاده می کند.

اگر چه در تمامی سال های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، مبارزات زنان آزاده ایران به اشکال مختلف تداوم داشته است، اما خیزش های انقلابی دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد که تغییر واقعی در موقعیت زنان در گرو پیشروی و عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

از این رو، همانگونه که در بیانیه سیاسی مصوبه کنفرانس استکهلم [شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست] آمده است، جنبش رهایی زن تنها با گذر انقلابی از جمهوری اسلامی و در راستای یک افق سوسیالیستی، با شرکت فعال در یک جنبش سراسری و در همگامی با سایر جنبش های اجتماعی می تواند در موقعیت بهتری قرار گیرد. جنبشی که هر گونه ستم و تبعیض جنسیتی را مردود می شمارد و علیه هر گونه نابرابری و بی عدالتی مبارزه می کند. پوشیده نیست مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی نیز مانند هر جنبش مطالباتی دیگر نمی تواند با مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی جاری در جامعه و سایر جنبش های رفع تبعیض و استثمار و ستم همسو نگردد.

نمی تواند ریشه کن شود. پاندمی کرونا و بحران سرمایه داری نه تنها بیکاری و فقر گسترده تری را به طبقه کارگر و مردم محروم جهان تحمیل کرد، بلکه فشار ناشی از این اوضاع به اعمال خشونت بیشتر علیه زنان و افزایش آزار جسمی و جنسی علیه آنان در خانواده و محل کار شده است.

اگر اعمال تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان ضرورتی جهانی برای سود سرمایه است، این امر در کشورهای تحت حاکمیت رژیم های اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران در قالب یک سیستم آپارتاید جنسیتی تمام عیار عمل می کند. این رژیم با استفاده از مذهب به مثابه ابزار ایدئولوژیک و با بهره گیری از فرهنگ عقب افتاده مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و خشونت بر زنان را قانونی و نهادینه کرده است و حقوق اولیه زنان نظیر حق تشکل مستقل زنان، حق سقط جنین، حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق وراثت، حق مسافرت، حق انتخاب لباس، حق انتخاب رشته تحصیلی و ... از زنان رسماً سلب شده است. تفکیک جنسیتی در تمام ارکان جامعه و در مؤسسات آموزشی به یک اصل تبدیل شده است. رژیم در حالیکه به مردان حق چند همسری اعطا می کند، با ترویج فرهنگ مرد سالارانه و ارزش های پوسیده ارتجاعی مانند ناموس و غیرت به وقوع و افزایش خشونت و بربریت عریان همچون قتل های ناموسی - زن کشی، دامن می زند. کودک همسری یا تجاوز به کودکان را قانونی میکند و ازسوی دیگر با رواج دادن صیغه به تن فروشی چهره ای قانونی می دهد.

اسلام سیاسی اکنون بعنوان یک جنبش ضد انسانی و زن ستیز فقط در ایران نیست که زندگی میلیونها انسان را به تباهی کشانده است، بلکه در سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا نیز زندگی زنان را با مخاطرات جدی تری روبرو کرده است. به قدرت رساندن نیروهای مرتجع طالبان در پائیز ۲۰۲۱، عقب

تبعیض جنسیتی و نابرابری هنوز سیمای نظم موجود جهان است. ستم بر زنان و اعمال ستم بر اساس جنسیت در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن اساسی نظام سرمایه داری است که نابرابری بنیادی در جامعه را باز تولید می کند. هر چند سرمایه داری مبتکرانقیاد زنان نیست و فرودستی زنان به شیوه های مختلف در تمام جوامع طبقاتی پیشین نیز وجود داشته است، اما سرمایه داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به عناوین مختلف در جامعه باز تولید و تشدید می کند. اساس نظام و دنیای موجود را تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد تشکیل می دهد. این چهارچوب، منشأ نابرابری و تبعیض از جمله ستمکشی زن در محل کار و جامعه و قانون و تفکر حاکم است. مردسالاری، محصول فرهنگ و قوانین ناظر بر این نابرابری بنیادی است. علیرغم اینکه در بخشی از کشورهای پیشرفته تر جهان در قیاس با کشورهای استبداد زده در نتیجه مبارزات زنان و مبارزات کارگری و سوسیالیستی، تغییراتی در قوانین و تغییر نسبی در موقعیت زنان بوجود آمده است، اما تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان در اکثر کشورهای جهان به شیوه ای زمخت نمایان است. هشت مارس خود محصول جنبش بین المللی سوسیالیستی طبقه کارگر و یک سنت مبارزاتی رادیکال زنان کارگر و کمونیستی است که هنوز در مقابل واپسگرایی بورژوازی مقاومت می کند و می جنگد.

امسال در شرایطی که پیشواز روز جهانی زن می رویم که بیش از دو سال از پاندمی کرونا می گذرد و بورژوازی جهانی علیرغم دسترسی انسان به امکانات و پیشرفت علم و تکنولوژی در مقابله با چنین مصائبی، بیش از هر دوره ای بی لیاقتی و ناتوانی خود را در اداره جامعه و حفظ سلامتی مردم نشان داده است. در جهانی که جان انسان بسادگی قربانی سود سرمایه می شود، ستم بر زنان



تنها در بهم پیوستگی تمامی جنبش های سیاسی و اجتماعی موجود است که افق های روشنی در برابر کلیت جامعه قرار می گیرد. روشن است عین این وضعیت برای زنان افغانستان نیز صادق است.

مقاومت قهرمانانه ی زنان افغانستان در تقابل با توحش اسلامی طالبان و علیه مماشات دولت های امپریالیستی، نشان می دهد که جنبش آزادیخواهی زنان در خاورمیانه از جمله در ایران و افغانستان از ظرفیت بالایی برخوردار است و همراه با جنبش کارگری و دیگر جنبش های آزادیخواه با به میدان آمدن نیروی کارگران و زحمتکشان می تواند چشم انداز آینده ای روشن، آینده ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری را برای زنان امکان پذیر نماید.

حضور زنان در صفوف اول تظاهرات و اعتراضات ماه های اخیر معلمان و بازنشستگان، نشان از پتانسیل عظیم جنبش برابری طلبانه آنان برای رفع تبعیض و نابرابری در جامعه ایران است. هم اکنون، جامعه ی ایران آستان حوادث مهمی است و فعالین جنبش برابر طلبی زنان بدون شک در صف اول این مبارزات خواهند بود.

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، همبستگی با مبارزات زنان در اقصی نقاط جهان به وظیفه اردوی سوسیالیستی و برابری طلبی در ایران و جهان تبدیل شده و ضرورت حمایت و پشتیبانی همه جانبه از این مبارزات را صد چندان ضروری کرده است. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ،

همه ی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، همه احزاب و جریانهای چپ و کمونیست را در روز ۸ مارس به مبارزه ی پیگیر علیه جمهوری اسلامی و رفع تبعیض و نابرابری و یک رهایی سوسیالیستی فرا می خواند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه و

سوسیالیستی زنان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری

جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۹ فوریه ۲۰۲۲

۳۰ بهمن ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در اقلیت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان فدائیان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان فدائیان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

برای مبارزه سازمان یافته کارگران
وزحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی و برقراری سیستم
اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها
در یک جبهه انقلابی متحد شویم.

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!